### ۸ میلیارد تومان به کشتی تزریق شد ولی کشتی ما چه دستاوردی داشت؟

# زشت و زیبای لیگ در دایره حقیقت!

لیگ کشتی پنجشنبه شب با قهرمانی نفتی های قهرمان به آخر رسید. در جنگ دارها و ندارها مشخص بود که برندگانش در صف اغنیا جا دارند و تیم وابسته به نفت در هر دو گروه آزاد و فرنگی گوی سبقت را از همه ربود تا بر جام قهرمانی بوسه زد.

گرچه حرف و حدیث ها پیرامون قهرمانی فرنگی کارها زیاد است. گرچه پلایش و پخش کرمانشاه خود را قربانی زد و بندهای پشت پرده می داند ولی هیچ کارشناس خبره ای نمی تواند از برتری ۳۶ بر یک نفت اهواز مقابل هتل چمران بی تفاوت عبور کند و این قهرمانی را بی حرف و حدیث باور نماید.

متأسفانه فدراسیون کشتی آن قدر در چاله چوله های مشکلات خواسته و ناخواسته غرق است که به هیچ حرف و حدیث درستی هم پاسخ نداد و از همه عجیب تر اطلاعیه ای بود که فدراسیونی ها در آن عنوان کردند هر که دلایلی برای اثبات تبانی دارد وارد معرکه شود و حرف و ادله خود را به اثبات رساند!

**جام جهانی آزاد**

کاری به کار ۴ تیم شرکت کننده در لیگ برتر کشتی فرنگی و قهرمانی عجیب و غریب نفت اهواز نداریم ولی در این مقاله در تلاشیم به واسطه در پیش بودن جام جهانی کشتی که قرار است در روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه در تالار سید رسول حسینی ساری برگزار شود حرف و سخن خواهیم داشت، چرا که کمیته ای مأموریت دارد ۹ کشتی گیر برتر لیگ سراسری را با نام تیم ملی کشتی ونماینده کشتی ایران به میدان رقابتی که پای روسیه، کوبا، گرجستان ، اوکراین و بلغارستان یا آمریکا در میان است، وارد کند.

لیگ را باید لیگ پویا و موجهی حساب کنیم، گرچه نمی توان آن را دور از کمی و کاستی دید ولی در واقع برای فدراسیون کشتی انجام حساب شده و با برنامه لیگ کشتی آزاد فرصتی بود تا آنها سر و صورتی به مشکلات روز افزون خود بدهند که شک داریم در آن رهگذر هم به توفیقی رسیده باشند! باید از ۱۱ تیمی که در دو گروه ۶ و ۵ دوره به مسابقه ها روا شدند شروع کرد، هرچند که تیم های سازنده ای چون کارگران، هیأت کشتی اصفهان، نیروی زمینی و جوانان مازندران که نمی توانستند ادعایی برای قهرمانی داشته باشند به میدان آمده بودند تا جوانان ریز و درشت ولی گمنام خود را محک بزنند و درجه آمادگی، اعتماد به نفس و خودباوری آنها را بالا و بالاتر ببرند تا کشتی ما هیچ گاه احساس کمبود و تهی شدن نکند.

**فقط ۳ استان**

نمایندگان سه استان تهران، مازندران و خراسان به مبارزات لیگ آمدند و شاید این مسأله یک ایراد بزرگ برای لیگ برتر باشد. کرمانشاه، همدان، آذربایجان و استانهایی که همیشه در کشتی حرفهایی برای گفتن داشتند وقتی غیبت می کنند یا زمانی که کنار می کشند سؤالاتی را ضرورتاً مطرح می نمایند که باید فدراسیون کشتی برای آنها پاسخی منطقی داشته باشد.

مازنی ها با اعزام ۳ کشتی به صحنه رقابت ها با توجه به غنای کیفی کار کشتی گیران جوان و پر استعداد خود دست به سرمایه گذاری عظیمی زدند که بعضی ها آن را دور و بر یک میلیارد تخمین زدند ولی حاصل کار یک میلیاردی معدن کشتی ایران فقط یک عنوان سومی بود؟!

با این وصف حضور پر رنگ قهرمانان ارزنده کشتی جهان و المپیک ویژگی های خاصی به لیگ برتر کشتی ایران بخشیده بود و به گفته همین ستاره های اسم و رسم دار لیگ ایران بالاتر از آلمان ، لهستان، ترکیه و... قرار داشت.

**سرمایه گذاری ۸ میلیاردی!**

روز پنجشنبه روز فینال مسابقه ها، اسدالله رضایی رئیس سازمان لیگ اشاره داشت که ۸ میلیارد تومان به کشتی ایران در لیگ برتر تزریق شده است، آیا نباید انتظار داشت در قبال این درآمد و این سرمایه گذاری کلان صاحب خانه به نوایی برسد؟ آیا سازمان لیگ، فدراسیون کشتی و کادر فنی نامعلوم و ناشناخته با پشت سر گذاردن این فصل از مسابقه های لیگ به اهداف مورد نظر خود رسیده اند؟ آیا بزرگان کشتی ما به سوی مردان مدال آور کشتی دنیا رفتند یا از مقابله با آنها گریختند؟

واقعیت های ملموسی وجود دارد که فرماندهی کشتی ما آن قدر قدرت و توانایی نداشت که بزرگان کشتی را وادار به مقابله با رقبای درجه اول جهان نماید.

نگاه کنید: ۵ مدال دار طلا و نقره مسابقه های بوداپست در لیگ برتر بودند و ۳ تن از ۷ قهرمان طلایی مسابقه های جهانی بوداپست در تهران حاضر شده بودند.

**ستاره های بزرگ**

«دلشاد منصور اوف، قهرمان ۵۵ کیلوگرم «بوازیندوراشویلی» فاتح وزن ۸۴ کیلوگرم «حاجی مراد کاتسالوف» قهرمان ۹۶ کیلویی های دنیا، نیز «الدار کورتانیدزه» نایب قهرمان ۹۶ کیلوگرم «بستامینسکی» برنده مدال برتر سنگین وزن جهان «ایریک فرانیف» قهرمان سال ۲۰۰۳ کشتی جهان، «واسیلی فدروشین» قهرمان سال ۲۰۰۵ اروپا «مراد گابادا نیکف» نایب قهرمان سال ۲۰۰۳ نیویورک «آلکساندر ژاهاروک» برنده چند مدال نقره و برنز جهانی رم و طلای اروپا، «محمد عیسی حاجی اوف » نایب قهرمان ۷۴ کیلوی جهان، «ودایم تاسایف» صاحب دو مدال برنز جهان و نایب قهرمان ۲۰۰۵ اروپا و... همه در تهران بودند تا بر ارزشهای لیگ کشتی ایران بسی بیفزایند ولی نگاه رهبران کشتی ما فقط نگاهی بود که به بردن و باختن ها ختم می شد.

**نگاه خاص**

برای تیم های یازده گانه هرگز مطرح نبود قهرمان جهان و المپیک می تواند درسهایی به کشتی ما بدهد و جوانان ما قادرند از قبل رو در رو شدن با باتجربگان به دانشی مسلح شوند که فردا و فردا های بعد کمک حال آنها باشد.

دیدیم که حسن طهماسبی مرد بدون شکست ۶۶ کیلوگرم را از مقابله با «ایریک فرانیف» باز داشتند.

دلیل نفتی ها این بود که اگر دو هفته پیاپی به میدان بروند ضعیف خواهد شد! فریدون قنبری ملی پوش ۸۴ کیلویی از مقابله با «ودایم لالی اف» خودداری کرد و هیچ کس حریف دو قهرمان اوزان ۵۵ و ۹۶ کیلویی و حتی نایب قهرمان همین وزن یعنی الدار کورتا نیدزه نشدند.

با این وصف، « بوازیمندوراشویلی» قهرمان وزن ۸۴ کیلویی جهان بیشترین آسیب را در صحنه دید و با چند شکست بحث انگیز بی اعتبارترین قهرمان لیگ معرفی گردید، همچنانکه «حاجی اوف » و «تاسایف» و گایدار بیکف شکستهای فراوانی را تجربه کردند.

**سرنوشت ملی پوشان**

از ۷ مسافر بودابست یعنی داداشی، مراد محمدی مسعود واحدی، مهدی حاجی زاده، فریدون قنبری ، امیرعباس مرادی گنجه و فردین معصومی، فقط ۵ کشتی گیر وارد عرصه کشتی لیگ شدند و حاجی زاده و گنجی به دلیل آسیب دیدگی و عمل جراحی فقط تماشاگر بودند!!

مرادمحمدی تنها مدال آور کشتی ایران بدون مقابله با فدروشین حریف قدر خود تنها کشتی گیر بی شکست تیم ملی محسوب می شد در حالی که بزرگانی چون محمدطلایی، هادی حبیبی، محمدحسین خالقی فر و علیرضا رضایی هم تن به شکست دادند و میزانی تازه از ناتوانیهای خود را حس کردند!

در کنار این آمار و ارقام نباید به تولد ستارگان گمنامی چون میثم مصطفی جوکار و مهدی تقوی و جوانان حاضر در تیم های نیروی زمینی ، هیأت کشتی اصفهان، جوانان مازندران و... پی تفاوت بود ولی سؤال این است مگر محمدحسین خالقی فر فینالیست دو دوره مسابقه های جوانان جهان یک استعداد بالقوه نبود؟ مگر بابک نوروزاد یا دو مدال طلای جوانان و نایب قهرمانی جوانان جهان، یا علیرضا درویشی، محمدرضایی، مسعود واحدی، بهنام طیبی و دهها چهره مستعد مگر درکشتی ما ظهور نکرده اند پس چرا امروز خبر و اثری از آنها نیست؟ چرا ما نمی توانیم پشت سر تیم ملی یک تیم بی فاصله داشته باشیم؟ چگونه است که برای مردان سازنده و کم توقع کشتی نمی توانیم موجباتی فراهم آوریم تا آنها با انگیزه تر، تواناتر و با هدف تر راه خود را پیگیری کنند؟

**سهم کشتی ما**

کشتی ما از این ریخت و پاش ۸ میلیارد چه دستاوردی داشت؟ آیا فقط باید به این دلخوش باشیم که یک «شوی» دو سه ماهه همه دل مشغولی های کشتی ما بوده است؟ راستی از این «شو» سه ماهه به کشتی ما چه چیزی رسید؟

اگر قرار باشد همین امروز مسابقه جام جهانی بعد از یک فصل لیگ برتر در تهران با ساری انجام شود، ما با همه امتیازات خانگی در جمع ۶ تیم صاحب چه عنوانی خواهیم شد؟ کدام کشتی گیران ما امروز قابل عرضه به میدان های طراز اول جهان هستند؟ چرا از این خیل جوانان را روانه جام یاریگین کند؟ چرا باز هم کشتی ما پشت به مسابقه های درجه اول دنیا می کند؟

مگر ندیدیم تیم نفت که در جام جهانی حاضر شد در جمع ۶ تیم رتبه آخر را کسب کرد؟ اگر قرار باشد تیم قهرمان لیگ در یک تورنمنت آخر شود ، چرا باعث سرشکستگی و سرافکندگی کشتی شویم؟ به همان دلیلی که نفتی ها درجام جهانی سال گذشته مقابل همه شکست خوردند، امروز هم حتی بهترین های لیگ کشتی در موقعیت مناسبی نیستند که بتوان آنها را به میدان های بزرگ و مقابله با رقبای نامدار فرستاد مگر اینکه اردوهای تدارکاتی را از همین امروز آغاز کنیم!

کشتی ما متأسفانه همیشه با اگر و اما همراه است، این اگرها و این اماها و این تردیدها سایه ای غیرقابل انکار بر کشتی ما و فدراسیون کشتی دارند. حالا اگر گروهی عادت به پذیرفتن این واقعیت ندارند تقصیر ما نیست. گناه کشتی ایران چیست که هنوز ۴ ماه بعد از قهرمانی جهان نمی تواند کادری را به عنوان کادر فنی معرفی کند که در هماهنگ ساختن نیروهای کارآمد تلاش کند؟

**پرامتیازترین کشتی گیران لیگ برتر در کشتی آزاد**

با پایان رقابت های لیگ برتر کشتی آزاد باشگاه های کشور پر امتیاز ترین کشتی گیران شرکت کننده در این رقابت ها معرفی شدند.

به گزارش خبرگزاری «مهر» پرامتیازترین کشتی گیران لیگ برتر کشتی آزاد «جام ریاست جمهوری » به این شرح هستند:

۱- جواد داداشی (۵۰ کیلوگرم ، پیام ارتباطات ساری ) ۵۹ امتیاز
۲- عباس دباغی (۵۰ کیلوگرم ، جوبیار لوله) امتیاز ۵۲
۳- رضا یزدانی (۸۴ کیلوگرم ، جوبیار لوله) ۵۰ امتیاز
۴- وحید جلالی (۵۰ کیلوگرم ،پاس تهران) ۴۶ امتیاز
۵ - محمد رضایی (۵۵ کیلو گرم ، نفت تهران) ۴۱ امتیاز
۶ - عباس رنجبر(۶۶ کیلو گرم ، جوبیار لوله) ۳۹ امتیاز
۷ - سعید واگدازی(۷۴ کیلو گرم، جوبیار لوله) ۳۸ امتیاز
۸ - ایربک فرانیف (۶۶ کیلو گرم ، جوانان مازندران) ۳۷ امتیاز
۹ - میثم مصطفی جوکار(۷۴ کیلو گرم ، نیروی زمینی ارتش) ۳۶ امتیاز
۱۰- مجتبی علیجان زاده (۵۵ کیلو گرم ، جوانان مازندران) ۳۵ امتیاز
۱۱- بیژن کردی (۵۰ کیلو گرم ، نفت تهران) ۳۲ امتیاز
۱۱- هادی پورعلیجان (۱۲۰ کیلو گرم ، جوبیار لوله) امتیاز ۳۲
۱۲- حسن مرادقلی (۵۰ کیلو گرم ، نفت تهران) ۳۱ امتیاز
۱۳- یاسر قربانی (۹۶ کیلو گرم ، جوبیار لوله) ۳۰ امتیاز
۱۴- جعفر قاسمی (۶۶ کیلو گرم، جوانان مازندران) ۲۹ امتیاز
۱۴- ابوالقاسم ترکمان (۶۶ کیلو گرم ، نیروی زمینی ارتش) ۲۹ امتیاز
۱۵- تقی داداشی (۵۵ کیلو گرم ، پیام ارتباطات ساری ) ۲۷ امتیاز
۱۵- بیژن اکبر زاده (۵۰ کیلو گرم ، جوبیار لوله) ۲۷ امتیاز
۱۶- سیاوش گودرزی (۶۶ کیلو گرم ، هیأت کشتی اصفهان)۲۶ امتیاز
۱۶- صادق گودرزی(۷۴ کیلو گرم ، هیأت کشتی اصفهان) ۲۶ امتیاز
۱۶- علیرضا سلیمانی (۹۶ کیلو گرم، تأمین اجتماعی) ۲۶ امتیاز
۱۷- سعید احمدی (۶۰ کیلو گرم ،جوانان مازندران) ۲۵ امتیاز
۱۷- محمد حسنی(۵۵ کیلو گرم ،جوبیار لوله) ۲۵ امتیاز
۱۸- واسیلی فدروشین (۶۰ کیلو گرم ، راه آهن خراسان) ۲۴ امتیاز
۱۸- مهدی قربانژاد (۵۰ کیلو گرم ، تأمین اجتماعی) ۲۴ امتیاز
۱۸- امیر بند سازی (۵۰ کیلو گرم، راه آهن خراسان) ۲۴ امتیاز

---

تنیس جهان در شروع فصل تازه

# غیبت نامداران در اولین گرند اسلم ۲۰۰۶

وصال روحانی

از دوشنبه هفته آینده اولین گرنداسلم ورزش تنیس در سال جدیدی میلادی (۲۰۰۶) در ملبورن شروع می شود که همان تورنمنت اوپن استرالیا است ولی آنده آغاسی تنیسور معروف و ۳۷ ساله آمریکایی از حالا اعلام عدم شرکت کرده و از این طریق قدری از اعتبار پیکارها کاسته، ولی این پایان ماجرا نیست و احتمال دارد که تعدادی دیگر از بزرگان نیز چنین کنند.

آغاسی که سابقه ۴ بار فتح این رقابتها را دارد، دلیل کناره گیری اش از دوره جدید این مسابقات را استمرار مصدومیت مچ پایش ذکر کرده و این آسیبی بود که ابتدا طی سال پیش گریبان او را گرفت و سپس استمرار یافت و به اوایل سال جاری میلادی هم بسط پیدا کرد. اگر آغاسی قطعاً نمی آید، غیبت مارات سافین را نیز می توان نزدیک به یقین دانست. این تنیسور بلندبالای روسی که سال پیش با درخشنی چشمگیر و شکست دادن روژه فدرر سوئیسی و سپس لیتون هیووبت استرالیایی این رقابت ها را فتح کرد، مدتها است که از ناراحتی زانو رنج می برد و ۶ و ۷ ماه اخیر حضورهایی نادر و محدود و کم در رقابت های بین المللی تنیس داشته است. رافایل نادال قهرمان رقابتهای اوپن فرانسه نیز طی هفته های اخیر از مصدومیت پا رنج می برده است و غیبت او نیز محتمل است و روی حضور ماریا شاراپووا تنیسور ۱۹ ساله زن روسی و قهرمان ویمبلدون ۲۰۰۴ هم نمی توان چندان حساب کرد، زیرا او هم در روزهای اخیر دچار آسیب دیدگی شانه بوده است.

**امروز و فردا**

«بل مک نمی» مدیر اجرایی رقابتهای اوپن استرالیا که خود روزگاری از بهترین های تنیس این کشور بود و عناوین زیادی را در قسمت دوبل برد، می گوید: «حقیقت اش را بخواهید فکر نمی کنم هیچ یک از آنها به آورد گاه ملبورن پارک (استادیوم محل انجام رقابتها که به آن فیلندرز پارک هم می گویند) بیایند و امروز و فردا است که اخبار قطعی و نهایی آن برسد. آنهایی که می خواهند شرکت کنند، معمولاً ۴ ، ۵ روز قبل به استرالیا می آیند و بسیاری از آنان در تورنمنت نیوساوت ویلز (در سیدنی) هم بخت آزمایی می کنند. بنابراین کسانی که ظرف امروز و فردا نیایند، اصلاً نخواهند آمد و از خیر شرکت در رقابتها خواهند گذشت. البته ما هر سال همین داستانها را داشته ایم و سالی نبوده که غایبانی از این دست به چشم نخورند و برای ما این قضایا عادی شده است.»

**یک رویداد غیرعادی**

با این حال غیبت محتمل نادال و سافین چیزی نیست که بتوان به راحتی آن را پذیرفت و یک واقعه عادی شمرد. نادال در طول سال گذشته (میلادی) خودش را به عنوان بزرگترین رقیب و نزدیکترین تعقیب کننده فده ر معرفی کرد و درست به اندازه او تورنمنت فتح کرد (هر دو ۱۱ مورد)، اما وی چندی پیش در مادرید آسیب دید و از آن پس در هیچ میدان رسمی ای دیده نشده است.

نادال ۲۰ ساله و چپ دست و اسپانیایی از تورنمنت چنایی هند هم که یکشنبه این هفته پایان گرفت، به همین دلیل انصراف داد و از رقابتهای «سیدنی» هم که در همان روز براه افتاد کنار کشید، حال آن که خیلی ها شرط و مقدمه شرکت شان در گرنداسلم استرالیا را حضوری خوش در پیکارهای سیدنی می دانند و ابتدا در آنجا بخت آزمایی می کنند. به حرف های مک نمی باز می گردیم: «با وابستگان نادال در تماس بوده ایم و به اعتراف خود آنها احتمال حضور وی در فیلندرز پارک بیشتر از ۵۰ درصد نیست و با تجربیاتی که من در این زمینه دارم باید بگویم ۵۰ درصد یعنی ۱۰۰ درصد!»

**پیروزی و سپس نزول**

هنوز هیچکس خاطره و حاصل حضور سافین روسی را در پیکارهای سال گذشته اوپن استرالیا از یاد نبرده است. او در نیمه نهایی نبردی حماسی و بسیار طولانی با فده ر داشت و درنهایت قهرمان هم شد تا دومین پیروزی اش را در تورنمنت های گرنداسلم تجربه کند و قهرمانی در «استرالیا ۲۰۰۵» را ضمیمه «یو.اس.اوپن ۲۰۰۰» کند.

اما همان پیروزی جالب و تحسین برانگیز مقدمه ای بر حوادثی سافین شد و او در ماههای بعدی دیگر سربلند نکرد و بیشتر مصدوم و غایب بود. او حتی از حضور در رقابتهای جام هایمن هم که شبیه این هفته در «برت » استرالیا پایان گرفت، انصراف داد. با این حال تا بحال کناره گیری آغاسی سرموضای بیشتری را در ملبورن براه انداخته است. او حتی در سالهایی که برخی بزرگان از حضور در ملبورن ابا داشتند، حضوری وسیع را در میدان به نمایش می نهاد و دیگران را هم تشویق به این کار می کرد. اما او که در تمام سالهای اخیر از انواع مصدومیت ها رنج می برده است، چندی پیش از ناحیه مچ پا هم آسیب دید و در تورنمنت مسترز (اساتید) هم که آبان ماه در شانگهای چین برگزار شد، پس از انجام فقط یک دیدار انصراف داد و همین مصدومیت را دلیل آن عنوان کرد.

**تلاش بی حاصل**

آغاسی می گوید تمامی تلاش خود را به کار گرفته بود تا به پیکارهای اوپن استرالیا برسد و یک برنامه ترمیمی و درمانی مفصل را هم در این راه به کار گرفته بود، اما معالجات بر روی مچ پای او اثر نبخشیده و او زمان کم آورده است. با این وجود کنار کشیدن بزرگان از اوپن استرالیا اصلاً تجربه تازه ای نیست. برگزاری این گرنداسلم درهمان اولین سال ها از سال نو (میلادی) سبب می شود که هم بازیکنان آماده یک پیکار سخت در چنین زمانی باشند و هم مصدومیت های کلان و سنگین و «رفع نشده» سال پیش را با خود یدک بکشند. برای حل همین قضیه پیشنهاد شده است که این رقابتها به زمانی دیرتر در هر سال و به ماههای بعد از ژانویه موکول شود اما تا بحال به این قضیه ترتیب اثر داده نشده است و به این خاطر آنها باید همچنان با مسأله غیبت ها و نیامدن موجه یا غیرموجه شماری از نامداران به ملبورن بسوزند و بسازند.

---

## دیدگاه

### به بهانه احتمال حذف معاونت تربیت بدنی و تندرستی در وزارت آموزش و پرورش

# دفاع از ماهیت یا شکل؟

احتمال حذف معاونت تربیت بدنی و تندرستی همچنان نقل محافل ورزشی است. مطبوعات نیز حسب دیدگاه، به تأویل و تحلیل می پردازند. اما راست این است که این امر چیزی بیش از حکایت پوسته و مغز نیست. از این رو،کرد، اهمیت شکل فقط به لحاظ حفظ ماهیت است ونه بیشتر. پاسخ به ۳ سؤال در این رابطه تحصیل نتیجه را تسهیل می کند:

۱ - از چه چیزی باید دفاع کرد؟
۲ - چرا باید دفاع کرد؟
۳ - چگونه باید دفاع کرد؟

پاسخ سؤال اول بسیار روشن است: باید از ماهیت تربیت بدنی و ورزش در آموزش و پرورش دفاع کرد. اما دفاع از این ماهیت محدود و منحصر به ساختار سازمانی یا پوسته خاصی نیست. بلی ساختار سازمانی مناسب به تحقق اهداف «کمک» می کند اما همه نتایج - چه خوب و چه بد - را نمی توان به ساختار سازمانی نسبت داد. زیرا ساختار سازمانی شکلی از اشکال اجرایی است که به هر حال همیشه شکل بهتر هم قابل تصور است. متأسفانه آنچه در شرایط فعلی مورد نقد قرار می گیرد غالباً شکل است نه ماهیت! نیز دستاوردی که به عنوان معاونت تربیت بدنی و تندرستی مطمح توجه است معلول عوامل متعددی است که ساختار سازمانی فقط به عنوان بخش کوچکی از آن قابل اعتنا است. در پاسخ چرا باید دفاع کرد؟ باید گفت این دفاع از آن رو باید صورت گیرد که تربیت بدنی بخش مهمی از تعلیم و تربیت است که به رشد ارزش های جسمانی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و بارور نمودن استعدادها کمک می کند. این پاسخ خود مبتنی بر دو رکن اساسی است: یکی مفهوم قبلی که آیا دفاع از ماهیت فقط محدود و منحصر به شکل خاصی است؟ و دیگر این که آیا فعالیت های حرکتی غیرهدفمند فاقد برنامه مدون در مدارس را می توان تربیت بدنی - به معنی خاص و کلاسیک - قلمداد کرد؟

و اما سؤال سوم: چگونه باید دفاع کرد؟ بی شک عاقلانه ترین و عالمانه ترین روش دفاع از ماهیت تربیت بدنی، اثبات عینی و عملی ارزش ، جایگاه ، نقش و نتایج تربیت بدنی در تعلیم و تربیت است. متأسفانه آنچه در مباحث امروز دفاع قرار می گیرد بیش از آنکه دفاع از ماهیت تربیت بدنی باشد دفاع از عملکرد گروهی است که چندان هم قابل دفاع نیست. نگارنده حدود دو سال قبل طی نامه ای به معاونت محترم تربیت بدنی و تندرستی وقت خاطر نشان نمود که آنچه به عنوان عملکرد آن معاونت مورد نقد عامه قرار می گیرد فقط عملکرد مدیران ستادی نیست بلکه شؤونات حرفه ای معلمان تربیت بدنی است که از پیش از انقلاب اسلامی ایجاد آن را مطالبه اصلی خود می دانسته اند. لیکن متأسفانه آنچه از طرف آن مدیران به عنوان نتایج عملکردشان معرفی می شود غالباً فرایندهایی نظری که هرگز به نتایج ملموس وعینی در ساعات درس تربیت بدنی منجر نشد و بیم آن می رود که در صورت استمرار وضع موجود «نه از تاک نشان مانده و نه تاک نشان». به هر روی به جبران مافات بایستی همه، هم و همت من را به کار گیریم تا نتایج عملکردمان در مدرسه و در ساعات درست تربیت بدنی قابل دفاع باشد نه در مکتوب های چند ده میلیون تومانی غیر کاربردی. این میسر نمی گردد مگر با استفاده مفید ومؤثر از منابع مادی، اطلاعاتی و به ویژه انسانی. زیرا شکل مطلوب روابط در سازمان، خود مولود و محصول اندیشه و تفکرات انسان است که به قول مولانا «با جنبده، جنباده هست».

**احمد آذریانی - کارشناس ارشد و مدرس تربیت بدنی**

---

## ورزش جهان

# آنری درخشان به نوکمپ نمی رود

**کاپیتان نفتنگداران دیروز اعلام کرد که در پایان فصل آنها را ترک نمی کند، اما...**

ارسنال عصر روز شنبه در کادر پیکارهای دور سوم جام حذفی فوتبال انگلیس روبروی کاردیف قرار گرفت و ۲-۱ برنده شد اما فراتر از این مسأله، آنچه که بیشتر ذهن سران این باشگاه نامدار لندنی را طی روزهای اخیر و به واقع هفته های گذشته به خود مشغول می کرد، مساله جدایی احتمالی تی یری آنری از این تیم است. مهاجم و کاپیتان فرانسوی و ۲۹ ساله ارسنال مدتی است که به شدت مورد توجه بارسلونا قرار دارد و پیتر هیل وود رئیس این باشگاه می ترسد با اینکه قرارداد آنری تا پایان تابستان ۲۰۰۷ امتداد دارد، وی در پایان فصل جاری لندن را ترک گوید و به نوکمپ برود. طی ماههای اخیر هیل وود و همچنین آرسن وانژه سرمربی ارسنال که هموطن آنری است، به کرات از وی خواسته اند که قراردادش را تمدید کند، اما او تا به حال نپذیرفته و همه چیز را به پایان فصل موکول کرده و همین مساله نیز نشانه ای از جدایی او تلقی شده است. هیل وود در جدیدترین صحبتهایش در این خصوص به دیلی استار گفته است: «نه ذهنم این ترس جای دارد که آنری برود. شاید سندو مدرک محکمه پسندی در این خصوص نداشته باشم، اما آن قدر نمونه های متعدد در این خصوص طی سالهای اخیر دیده ام که به چنین باوری رسیده ام و نمونه آنری مرا به یاد آنها می اندازد و به من حق بدهید که در این خصوص مشکوک باشم! من آن قدر واقع بین هستم که بگویم اگر او بخواهد برود، من نمی توانم جلودار او باشم و به واقع

از دست ارسنال کاری در این خصوص برنخواهد آمد. با این حال رفتن احتمالی او ضربه ای سنگین به ما خواهد بود و به همین سبب ما بشدت مشتاق و مصمم به حفظ وی هستیم. بارها و مدتها به او گفته ایم که برای بستن قراردادی تازه آماده ایم و از هر نیرو و اهرم موجود در این زمینه سود خواهیم جست، اما در نهایت تصمیم گیری با خود اوست.»

**رایت: مثل هیل وود**

آنری که در سال ۱۹۹۹ و پس از گذراندن ۶ ماه فاقد موفقیت در یوونتوس سر از هایبری درآورد و به مرد اول این تیم بدل شد، چندی پیش رکورد گلزنی این رایت معروف را نیز در ارسنال شکست ولی جالب اینکه رایت هم بر این باور است که آنری در پایان همین فصل رقابتی تازه نشانگر آن است که او اصولاً خیال ماندن در ارسنال را ندارد. البته آنری روز شنبه در لندن گفت: «من واقعاً این باشگاه را دوست دارم و تصمیم گرفته ام که در پایان فصل نروم و برعکس بمانم و زمانی که به استادیوم تازه خود (به نام امارات) می رویم، نیز عضوی از تیم باشم. وقتی هواداران و نظر لطف آنها را نسبت به خود می بینیم، اقدام و تصمیم گیری در این خصوص آسان تر می شود». به رغم حرف های فوق، از نظر رایت، آنری که سابقه درخشش در موناکوی فرانسه را هم دارد نمی تواند در برابر وسوسه الحاق به بارسلونا مقاومت کند و دلیلی برای رد پیشنهاد آنها نمی یابد. این احساس و بلکه یقین من است و حتی اگر خودم نیز در چنین موقعیتی قرار می داشتم همین کار را می کردم. وقتی خودم در ارسنال بودم، هیچگاه به فکرم خطور نکرد که در چنین شرایطی از این تیم بروم، اما حقیقت آن است که من در آن زمان ستاره ای در حد و اندازه آنری نبودم و شهرت کنونی وی را نداشتم و کسی نیز به این اندازه در پی من نبود. به این خاطر بود که در ارسنال ماندم و از این قضیه و حضور و بازی در باشگاهی با این اندازه ها راضی هم بودم. تیم ما در آن دوره ارسنال تیمی جلوه می کرد که به سمت شروع یک دوره جولان و استیلا بر فوتبال انگلیس پیش می رفت، حال آن که ترکیب فعلی ارسنال چنین وضعی را ندارد و بیشتر رو به یک دوره نزولی دارد. به واقع ارسنال الآن به اندازه کافی برای آنری دلخوش کننده و امید بخش نیست و بدیهی است که دوره ای متعالی تر و حضوری پرثمرتر در نوکمپ انتظار او را بکشد. وقتی پاتریک وییه را تابستان امسال هایبری را ترک کرد، شوکه شدم، اما این تصمیمی بود که ارسنال براساس منابع مالی اش اتخاذ و اجرا کرد ولی قضیه آنری قدری فرق می کند وجدایی احتمالی او به تصمیم خود وی است. او می بیند که در ارسنال نک و تنها مانده و این احساس را بخصوص پس از رفتن وییه را پیدا کرده و در جایی مثل کاتالونیا توفیق هایی بزرگتر در انتظارش خواهد بود. با این ساعت آیا شما از رفتن او به بارسلونا تعجب خواهید کرد؟

**رونالدینیو هم منتظر است**

در هفته های اخیر رونالدینیو ستاره برزیلی بارسلونا و مرد سال فوتبال جهان و اروپا هم طی صحبت هایش از آمدن احتمالی آنری به نوکمپ صحبت و از آن استقبال کرده است. دیگر کاندیدای احتمالی انتقال به نوکمپ، فرانک لمپارد مرد دوم فوتبال جهان در سال ۲۰۰۵ است که اینک عضویت چلسی را دارد. بارسا که حتی بدون این دو بازیکن شاخص حاضر در لیگ برتر انگلیس روزگار خوشی طی دو فصل اخیر داشته، با آمدن احتمالی آنها طی فصل آینده به درجاتی غیرقابل پیش بینی خواهد رسید. چیزی که سران بارسلونا با رازگونه داری خاص خود دوست ندارند زیاد درباره آن حرف بزنند اما با مسائل و اظهارات و رویدادهای اخیر بخصوص در ارتباط با آنری بسیار محتمل نشان می دهد.

**منبع : Goal**